

اسلام و مسلمانان در آلبانی و تهدیدهای تاریخی و مدرن نسبت به آنان

سیدامیرحسین اصغری^۱

مقدمه:

در این نوشتار گزارشی از موقعیت اسلام و مسلمانان در آلبانی و تهدیدهای تاریخی و مدرن نسبت به آنها ارائه شده است. تامل در هویت تاریخی اسلامی اکثریت قوم آلبانی، و تهدیدهای سازماندهی شده‌ی امروزین در مقابل آن، بیننده را نسبت به آینده‌ی این "هویت" ناامید می‌کند.

نمونه‌ای از منشورات عرفانی تاریخی که در سرزمین آلبانی منتشر شده است و در این نوشتار بدان اشارت رفته است نمایی از حضور پر قدرت اندیشه‌ی اسلامی است. اما بعد از سقوط امپراطوری اسلامی نقطه‌ی ضعف هویت اسلامی آغاز می‌شود و در دوران حاکمیت کمونیسم با دین‌ستیزی شدید حاکمیت کمونیسم در آلبانی اوج می‌گیرد.

پایان دوران کمونیسم و آغاز دوران به اصطلاح دموکراسی فضای جدیدی برای آزادی ادیان در آلبانی می‌آفریند اما گویی نظام مهندسی‌شده سیاسی، آموزشی، فرهنگی، رسانه‌ای و اقتصادی پس از سال ۱۹۹۰ در پی آن است که هویتی نو به مردم آلبانی بدهد و آن هویت جدید چیزی جز اروپایی و مسیحی شدن نیست.

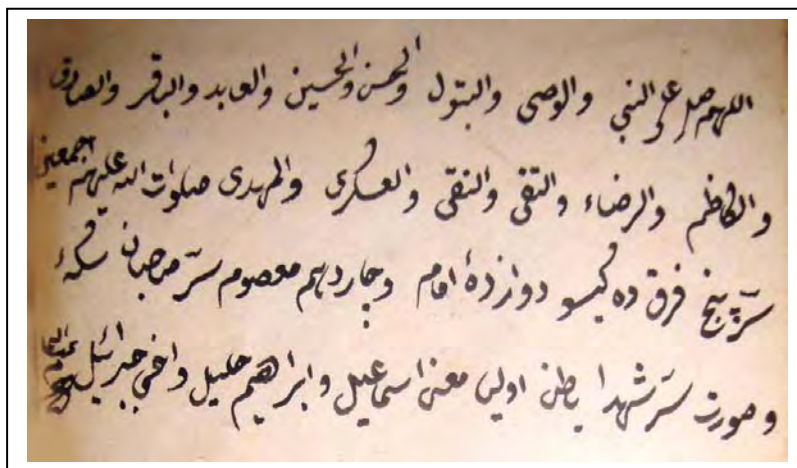
سؤال اینجاست که برای بازگشت به هویت اسلامی در آلبانی چه باید کرد؟ دلایل ضعف هویت اسلامی در این سرزمین چیست؟ نوع برخورد غربی‌ها با آلبانی و تفاوت برخورد کشورهای اسلامی با آن چیست؟ و در نهایت چه باید کرد؟

واژه‌گان کلیدی:

آلبانی، هویت اسلامی، تهدیدهای تاریخی و مدرن اسلام در آلبانی، عرفان اسلامی در آلبانی، مسیحی‌سازی در آلبانی، دوران پسا کمونیسم در آلبانی

^۱ محقق، نویسنده و مدیرکالج سعدی آلبانی

تامل درباره جمهوری آلبانی، به عنوان کشوری با هویت تاریخی مسلمان، که امروزه بسیاری سعی در مسیحی کردن یا مسیحی دانستن آن دارند، تا حدودی مانند نظاره بر محتضر، غمگانه است. دلیل آن است که آدمی هر چه در عمق و بطن تاریخ ۵۰۰ ساله اخیر این منطقه و مردمانش اندیشه می‌کند، مسلمانانی بس تلاشگر، عارفان و عالمانی بس بزرگ، میراثی از یک حرکت بزرگ علمی و عملی در راه اسلام را می‌بیند. امروز اما جنازه محتضر آن همه بزرگی؛ مگر آن که تدبیری شود. برای من بدین می‌ماند که اسلام به هر نحو که راه خویش را به جمهوری آلبانی و در میان آلبانی‌تباران گشوده باشد؛ به مردمانش در پس قرن‌ها "هویت" بخشیده و حرکت و زندگی ملی و اجتماعی را برایشان میسر کرده است.

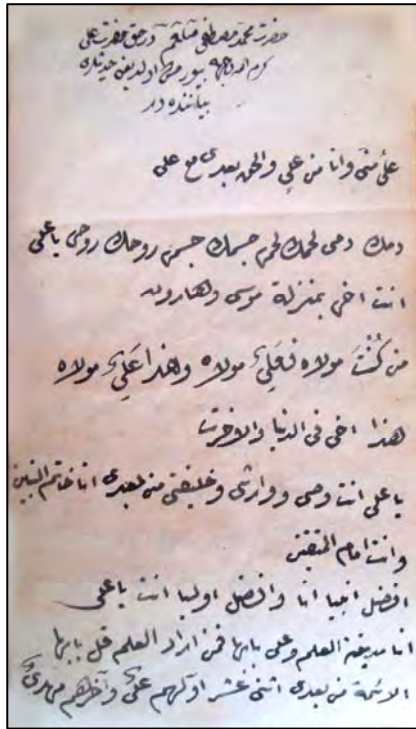


تامل اندکی در انبوهی از علمای مسلمان، عرفا، دراویش و شاعرانی که به بیتاجی معروف بودند، این سهم وسیع را روشن می‌کند. از طرف دیگر، حضور مردمان سیاست و جنگاوری آلبانی در قلمرو حاکمیت و حکومت عثمانی و ایفای نقش آنها نیز، ترجمان دیگری از این زندگی و حضور است. در عرصه شهرسازی و علائم اسلامی هم قصه همین است. در مرکز تیرانا، پایتخت آلبانی میدانی واقع است به نام اسکندرییگ که در یکی از مهمترین اضلاع آن مسجد ادهم بیگ واقع شده است. این خود به معنی مسجد محوری در ساخت این شهر بوده است. وقتی نازی‌های آلمانی در سال ۱۹۴۵ به تیرانا حمله کرده و آن را اشغال نمودند فیلمی هم از این شهر برداشته‌اند که در آن نمایی از مسجد شهر به نمایش

گذارده می‌شود که تمامی زنان در آن محجبه بوده و اکثر آنها برقع و پوشیه هم برصورت دارند. رفتار مردمی و استحکام بنیان خانواده از دیگر عناصر تاریخی فرهنگ اسلامی در آلبانی است که هم اکنون هم حتی وضعیت استحکام بنیان خانواده در آلبانی نسبت به کشورهای مسیحی همسایه قابل مقایسه نیست.

مراکز و تکایای قابل ملاحظه علوی‌ها در آلبانی که بیش از همه در طریقت بکتاشی خود را نمایانده است جلوه دیگری از تجلی اسلام باطنی و عرفانی در آلبانی می‌باشد. قبور شیوخ و عرفا که مورد احترام پیروان طریقت است هم جلوه‌ای دیگر دارد. تکایای به جا مانده از علویها (شامل بکتاشیه، رفاعیه، قادریه و خلوتیه) در جایهای مختلف آلبانی از شمال تا جنوب نیز قابل مشاهده است.

تاریخ آلبانی، علما و دانشمندان اسلامی چون **حافظ علی کورچا**، **حافظ ابراهیم دالیو** و بسیاری دیگر را در حافظه خود دارد که خود آثار مهمی در تفسیر و سایر علوم دینی آفریدند.



از طرف دیگر با رجوع به سایر عرصه‌های تاریخ آلبانی می‌توان با شاعرانی مواجه شد که معارف دینی را در قالب اشعاری با سبک و سیاق اشعار فارسی، عربی و ترکی می‌سرودند. که این اشعار مملو از کلمات فارسی، ترکی و عربی است. همانطور که پیشتر ذکر شد این افراد به بیتاجی معروفند. آلبانیایی‌ها از گذشته با زبان فارسی آشنا بوده‌اند و این آشنایی گاه آنچنان بوده که بر حسب برخی روایات تاریخی در مناطقی چون شهر **الباسان**^۱ مورد استفاده بوده است. هم‌چنین استفاده از عناصر شعری فارسی در زبان آلبانی نیز گزارش شده

^۱ به طور مثال از میان شاعران فارسی‌گوی الباسان می‌توان به باباسلیم روحی (Baba Selim Ruhi) (۱۹۳۶-۱۸۶۹) اشاره کرد که دارای سه دیوان به زبان‌های فارسی، ترکی و عربی است.

است: «بسیاری از قالب‌ها و ردیف‌های شعری فارسی و ترکی در ادبیات شیپ جا گرفته‌اند. مواردی مثل رباعی، الهی و قصیده را می‌توانیم در اشعار و دیوان‌ها بیابیم»^۱ درباره‌ی «بیتاجی‌ها»^۲ ی آلبانیایی نیز آمده است که: «اشعار بیتاجی‌ها از زبان ترکی، فارسی و عربی متأثر بوده و با همان ساختارها که در آن دوران در خاورمیانه و ترکیه رواج داشته است به آلبانی وارد شده است»^۳.

رابرت الیس، آلبانی‌شناس انگلیسی اظهار می‌دارد: «دقیقاً همانند نخستین نویسندگان آلبانی مسیحی که به زبان یونانی و لاتین می‌نوشتند، نخستین نویسندگان مسلمان آلبانی نیز چرخ ادبیات امپراطوری عثمانی را به کار گرفتند: ترکی و فارسی، بسیاری از آنها موفقیت‌های درخشانی داشتند»^۴.

یکی از دواوین این شاعران آلبانیایی متعلق به نظم براتی یا نظم فراکللا^۵ شاعر قرن هفدهم آلبانی است که به "دیوان شیپ"^۶ شهرت دارد. این دیوان در اصل با الفبای عربی به نگارش درآمده است و پس از فوت مولفش به الفبای آلبانی هم نگاشته شده است. تأمل در مفاهیم شعری و مضامین دینی در این دیوان، انسان را به یاد دواوین عرفانی و مکتوبات عارفانه شاعران پارسی‌گویی می‌اندازد که سخن از ایمان و عرفان و سلوک گفته‌اند. او از اولین مولفان مهم آلبانی است که به الفبای عربی نوشتند و موجب آن شدند که این گونه سرودن و نوشتن در آلبانی برای خود جایگاهی ویژه یافته و تبدیل به یک جریان شود.

او تحصیلات خود را در ترکیه ادامه داد و به فارسی، ترکی و عربی شعر سرود.^۷

^۱ "Literatura Shqipe ne Traditen Islame, Gjuha Shqipe me germa Arabe gjate shekullit te 18 dhe 19te," Robert Elsie.

^۲ بیتاجی، اصطلاحی است که برای شاعرانی استفاده می‌شود که اشعار اسلامی می‌سرودند. عبارت بیتاجی از ترکی گرفته شده و اصل این کلمه نیز از بیت است (دو مصرع با یک ردیف). عبارات دیگر برای این افراد "عاشیق" و "ساز سایلری" است. درمیان بیتاجی‌ها می‌توان به نام نسیمی nezimi (۱۶۸۰-۱۷۶۰) اشاره کرد. وی در استانبول تحصیل کرد و همانجا دو دیوان شعر ترکی و فارسی خود را سرود. او خود را سعدی و حافظ دوران خود می‌نامد. وی قصیده‌ای به زبان آلبانیایی دارد که آن را قابل قیاس با قصیده‌ی عرفی شاعر پارسی‌گوی و نعیمی ترک می‌داند.

^۳ cf. Rossi 1946, p. 243.

^۴ "Albanian Litratue in the Moslem Tradition," Robert Elise, First published in: Oriens, Journal of the International Society for Oriental Research, Leiden, 33 (1992), p. 287-306.

^۵ NEZIM BERATI OR Nezim Frakulla

^۶ DIVANI SHQIP

^۷ Divan kush pat folur në shqip?

که در یکی از آن سروده‌ها چنین گفته است:

که دارد سروده به دیوان شیپ؟
عیان دان نظیمی
بیان که هستش به دیوان شیپ؟
عیان دان نظیمی

او پس از آن، دیوان خود را با ستایش حضرت ختمی مرتبت (ص) آغاز می‌کند. در دیباچه این سروده هنوان زیر و ابیات آن را آورده است:^۱

«در نعت سید کائنات و مفخر موجودات اعنی حضرت محمد مصطفی (ص)»

نیز در دومین سروده خود در وصف علی بن ابیطالب (ع) می‌سراید و در عنوان آن می‌نویسد:^۲
در ستایش شاه اولیاء و معدن لطف اعنی حضرت علی مرتضی (ع)
او در بخشی از این سروده می‌نویسد:^۳ مضمون آنچه در پاورقی آمده این است که:

مرتبه‌ی تو بلی	کیست لحمأ لحمی
هم لافتی الا علی	و لا سیف الا ذوالفقار
کیست در شهادت دوم	جز تو ای عالی مقصود؟
دشمنان را نابود کن	تویی شاه دلدل سوار

این‌ها گوشه‌های بسیار کوچکی از تاریخ آلبانی است. بگذریم از نسخه‌های خطی و آثار هنری و... اما امروز چگونه می‌توان از آلبانی مسلمان اروپا سخن گفت؟ این کشور و مردمانش اکنون در چه وضعیتی هستند؟ در تاریخ یک قرن اخیر بر آنها چه رفته است؟ برای بررسی این مساله تاملی در تحلیل‌های تاریخی خواهیم داشت.
آلبانی یکی از محدود کشورهای اروپایی است که اکثر جمعیت آن مسلمانند. این کشور

Ajan e bëri Nezimi - Bejan kush e pat folurë shqip? - Insan e bëri Nezimi.

¹ "Der nati seyiyidi kainat ve mefhari mevcudat ani hazreti Muhammed Mustafa"

² "Der sitayisi sahi evliya va madeni lutf ani hazreti Ali al-Murtaza "

³ Kush eshte eshhedi dud?

As tj je, ej ali maksut
Dushmanete I bere nabud
Tj je shahi dyldyl-syvar
Mertebete jane Beli
Kush eshte lahman lahmi
Hem lafata illa Ali
Ve la seyfe illa Zulfikar

تا سال ۱۹۱۳ میلادی بخشی از خلافت امپراطوری عثمانی بود. پس از اشغال حوزه امپراطوری عثمانی در جنگ نخست بالکان، مسلمانان آلبانیایی مثل مسلمانان سایر بلاد منطقه بالکان از دستگاه خلافت آن زمان جدا افتادند. در نتیجه شکست مسلمانان در جنگ، مناطقی که آلبانیان قرن‌ها ساکن آن بودند، میان دول غالب مسیحی بالکان تقسیم شد. تنها بخش بازممانده همان آلبانی امروزی بود که در نتیجه سیاست‌های قدرت‌های برتر، خصوصاً امپراطوری اتریش - مجارستان و ایتالیا، در کنفرانس ۱۹۱۲-۱۹۱۳ لندن تصمیم گرفته شد که بخشهایی از سرزمین یانینا و ولایت اشکودرا در میان دول مسیحی تقسیم نشود بلکه تحت حمایت قدرتهای برتر دارای دولت مستقلی باشد.

این‌گونه بود که دولت آلبانی با یکی شدن برخی از شهرهای ولایات ماناستیر Manastir، یانینا Yanina و اشکودرا Shkodra تاسیس شد. در نتیجه این سیاست قدرت‌های بزرگ، بخشی از آلبانیان از قتل عام و خشونت که برای بازگشت به مسیحیت یا تبعید به ترکیه صورت می‌گرفت در امان ماندند. به همین علت آلبانیاییان جزو قدیمی‌ترین ساکنان اروپا محسوب می‌شوند، در عین حال، آلبانی قدیمی‌ترین کشور اروپایی با اکثریت مسلمان است.

با این حال، تنها بعد از خروج امپراطوری عثمانی از بالکان نبود که مسلمانان این منطقه تحت فشار و زور قرار گرفتند. بلکه قتل عام‌ها و نسل‌کشی‌های وحشیانه در طول قرن بیستم ادامه یافت که نقطه اوج آن در طی سالهای ۱۹۴۵-۱۹۱۳ بود. در نتیجه این نسل‌کشی‌ها و تبعیدهای دینی، مسلمانان آلبانی خود را جدا مانده از بقیه امت اسلامی که در طول خلافت عثمانی با آنها می‌زیستند؛ یافتند. از سال ۱۹۱۳، مناطق مسکونی آنان تبدیل به مناطقی شد که در احاطه مسیحیان اروپای جنوب شرقی بود.

طبق نقل اسناد تاریخی، با تاسیس دولت آلبانیایی در سال ۱۹۱۲ ارتباط مسلمانان آلبانی با موسسات خلافت قطع شد. البته در همان زمان هم دولت عثمانی در حال افول و شکست بود. در سال ۱۹۲۳، ملی‌گرایان آلبانی، جمعیت اسلامی آلبانی را بنا نهادند که با نام "کمیته مسلمانان آلبانی" معروف است و در واقع نهادی بود که دولت شکل و ساختار آن را تعیین کرده بود و وظیفه آن نمایندگی مسلمانان آلبانی و تبویب جدایی آنان از ارگان خلافت عثمانی بود.

کمیته مسلمانان آلبانی از سال ۱۹۶۳ تا ۱۹۶۷ فعال بود. و از آنجایی که نهادی ضعیف بود در اثر فرآیند طولانی سکولاریسم، ملی‌گرایی و اسلام‌زدایی که در دوره‌های پادشاهی و پس

از آن اشغالگری فاشیسم و نازیسم و نهایتاً حاکمیت کمونیست به کار رفت، بروز و ظهور اسلام هر روز در این کشور بی‌رمق‌تر از پیش شد.

اوقافی که مسلمانان از زمان عثمانی میراث‌دار آن بودند و پشتیبان فعالیت‌های اسلامی بود، بعد از سال ۱۹۲۰ توسط دولت‌های ملی‌گرا، ملی اعلام شد و نتیجه آن فقر عالمان مسلمان و زیرساخت‌های اسلامی بود. این وقف‌ها و تمام مملوکات کمیته مسلمانان در دوران کمونیسم توسط دولت ضبط شد. با از دست دادن استقلال اقتصادی، علمای مسلمان استقلال دینی خود را نیز از دست دادند و در نتیجه موسسات و علوم اسلامی در این کشور رو به افول نهاد.

فرآیند سکولاریسم که از سال ۱۹۱۳ آغاز گردید منجر به تعطیلی بسیاری از مکاتب، رشدی‌ها و سایر مدارس اسلامی شد و به جای آنها آموزش سکولار ملی شکل گرفت. با این حال، گرچه کمیته مسلمانان سعی در حفظ زیرساخت‌های خود داشت اما با روی کار آمدن رژیم کمونیست در سال ۱۹۴۵، این زیر ساخت به کلی رو به نابودی نهاد. بنابراین با مقدماتی که پیشتر اتفاق افتاده بود، تخریب اسلام برای کمونیست‌ها سهل‌تر می‌نمود.

نقطه اوج مبارزه با دین در سال ۱۹۶۷ در آلبانی اتفاق افتاد. حزب کمونیست آلبانی با الهام از انقلاب فرهنگی چین، آلبانی را نخستین کشور ملحد جهان و دین را در آن غیرقانونی خواند. براساس حقوق جزایی مصوب سال ۱۹۷۷ آلبانی، تملک کتب دینی یا خطابه دینی مجازاتی از ۳ تا ۷ سال زندان را شامل می‌شد.^۱ مسلمانان آلبانی دوران بیست و سه ساله ۱۹۶۷ تا ۱۹۹۰ را در سایه الحاد مطلق حاکم بر رژیم کمونیست گذرانده و فرزندان‌شان در آن نظام آموزشی آموختند که دین افیون توده‌ها و وسیله‌ای در دستان سرمایه‌داران فتودال است تا بر مردمان ستم کنند و قرآن و انجیل هم مخزن بی‌پایان اندیشه‌های ارتجاعی‌اند.^۲ در نتیجه‌ی این تهاجم عریان به دین، نسل نوی مسلمانان آلبانی دین آبابی خود را فراموش کردند.

علاوه بر اینها، مقوله دیگری که رژیم کمونیست برای امحای دین از آن سود می‌جست،

^۱ See: Zachary T. Irvin, *The Fate of Islam in the Balkans: A comparison of Four State Policies, n̄ Religion and Nationalism in Soviet and East European Politics* (ed. Pedro Ramet), Duke University London 1989. 385

^۲ اسماعیل کاداره Ismail KADARE، مقاله واقعیت‌گرایی سوسیالیسم هنر بزرگ انقلاب، *Realizmi socialist-arti*، روزنامه زری پاپولیت (Zëri i Popullit)، ۱۳ ژانویه ۱۹۷۴، روزنامه زری پاپولیت (Zëri i Popullit)

غیر اسلامی کردن آلبانی با از بین بردن سازه‌ها و مدارس، تغییر نام، تاریخ و تمام میراث تاریخی‌ای بود که مردم از دوران اسلامی به یادگار داشتند. تاریخ آلبانی و مقوله هویت آلبانیان هم از مسیر فیلم، هنر رسانه‌ها و کتب درسی به گونه‌ای دیگر مورد تهاجم قرار گرفت. نوشتند که میراث اسلامی آلبانی، نتیجه استثمار و ستم ترک‌های عثمانی است و آلبانیان قبل از آن، همه مسیحی بوده‌اند.

پس از سقوط رژیم کمونیست در سال ۱۹۹۱، نسل جوان آلبانیایی که تنها چند کلمه از پدران یا پدر بزرگان‌شان از اسلام در ذهن داشتند، سعی در کشف دوباره هویت اسلامی خود کردند. آنها پس از ۲۳ سال ممنوعیت، در سال ۱۹۹۰ نخستین مسجد خود را در شهر اشکودرا بازگشایی کردند.^۱

آزادی دین پس از سال ۱۹۹۰ موجب ورود نهادهای مختلف بشردوستانه دینی اسلامی و مسیحی به آلبانی شد که در کنار همین امر به انجام کمک‌های اقتصادی و آموزش‌های دینی هم می‌پرداختند. این کمک‌ها باعث آن شد تا بخشی از نسل جوان با آموزه‌های ممنوع پدران خود آشنایی یابد. با این حال، آموزش‌های دینی آن زمان موجبات نگرانی برخی تحلیل‌گران غربی، شرق‌شناسان و کمونیست‌های آلبانی را پدید آورد. آنها می‌نوشتند که "اسلام خارجی" در حال جایگزین شدن "اسلام آلبانیایی" است. برخی تحلیل‌گران اسلام‌گرا هم در پاسخ می‌گفتند که اساساً در آن زمان اسلامی در آلبانی وجود نداشت تا چیزی جایگزین آن شود.^۲

بعد از بحران سیاسی اقتصادی آلبانی در سال ۱۹۹۷، سیاستمداران کمونیست آلبانیایی سلاحی به نام "اسلام هراسی" را برای مقابله با اسلام در آلبانی علم کردند. فاتوس نانو، نخست‌وزیر آلبانی در سال ۱۹۹۷ اظهار داشت که قصد حزب او آن بود که بعد از رسیدن به قدرت، ۵۵۵ سال از تاریخ آلبانی را محو کند. منظور او دوران اسلامی آلبانی بود. حملات سیاسی که بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ جان تازه‌ای

^۱ I. Dizdarin, F. Luli and N. Bushatin, *Në kujtim të brezave*, Shkodër 1998

^۲ بنگرید به:

Albanian Islam – Development and Disruptions, z Rajvantee Lakshman-Lepain në: KARL KASER FRANK KRESSING, *Albania – A country in transition. Aspects of changing identities in a south-east European country*, Baden-Baden: Nomos-Verlag, 2002 and Olsi Jazexhi, *The Political Exploitation of Islamophobia in post-communist Albania*, në Islamophobia Conference, Istanbul 2007

یافتند، اثراتی منفی بر احیای اسلام در آلبانی داشتند. جدال غرب با اسلام، در آلبانی ظهور سختی یافت به نحوی که تعدادی از مسلمانان محلی و خارجی و مبلغان دینی مورد آزار قرار گرفتند، از کشور اخراج شده و یا کشته شدند. این رفتارها بدنه نوپای اسلام در آلبانی را با سختی‌هایی روبرو کرد. اوج دیگر حملات به اسلام زمانی رخ داد که آلفرد موسیو^۱ رییس جمهور ارتدوکس آلبانی در نوامبر سال ۲۰۰۵ در لندن اظهار داشت که تمام آلبانیایی‌ها مسیحی هستند و مسلمانان این کشور اکثریت ندارند.^۲

حمله به مسلمانان همچنین در تهاجم به زیرساخت‌های آنان نیز مشهود است. برای نمونه می‌توان به شهر تیرانا اشاره کرد که در سال ۱۹۴۴ با سی هزار نفر شهروند، دارای ۲۵ مسجد بود و امروزه با یک میلیون جمعیت تنها دارای ۱۰ مسجد است. نمازگزارانی که برای نماز جمعه یا اعیاد فطر و قربان به مسجد می‌روند ناگزیر از نمازگزاری در خیابانها هستند. آنها از شهرداری تیرانا خواسته‌اند که اجازه بنای مسجد بزرگی در زمین‌های موقوفه اسلامی مرکز تیرانا بدهد، اما این درخواست بارها از سوی ادی راما^۳ Edi Rama شهردار که رییس حزب سوسیالیست هم هست، رد شده است. این در حالی است که ارتدوکس‌ها مجوز ساخت کلیسای جامع عظیمی را در زمینهای عمومی شهر گرفته و کلیسای خود را بر آن بنا کرده‌اند.

در نتیجه فشارهای دهه گذشته و نیز ۶۰ سال پیش از آن، اکنون تنها ۵۰۳ مسجد و ۹ مدرسه دینی در آلبانی موجود است. این تعداد درست در مقابل آمار سال ۱۹۶۷ است که در آن ۱۶۶۷ مسجد برای یک و نیم میلیون جمعیت وجود داشت. پس از سال ۲۰۰۱ هم به خاطر اخراج و تعطیلی بسیاری از NGOهای اسلامی، تعدادی از مساجد به خاطر مشکلات اقتصادی حاکم بر وضعیت مسلمانان تعطیل شدند. نبود زیرساخت‌های اقتصادی برای مسلمانان باعث شد که امامان مساجد آلبانی برای کارایی به کشورهای اروپای غربی مهاجرت کنند. مسلمانان آلبانی با این که به لحاظ آماری ۷۰٪ جمعیت آلبانی را تشکیل می‌دهند اما حتی یک دانشگاه دینی، روزنامه، درمانگاه اسلامی یا موسسه پژوهشی که نسبت به هویت و تراث و مشکلات مسلمانان این

^۱ Alfred Moisiu

^۲ روزنامه‌های آن زمان آلبانی، نیز: <http://forumimusliman.org/english/pershtyp7.html>

^۳ وی ارتدوکس بوده و از سوی سوروس حمایت می‌شود.

کشور فعالیت کند، ندارند.

در نتیجه جنگ افغانستان و عراق، رسانه‌ها و مدیریت‌کنندگان اسلام‌هراس رفتاری خشن با مسلمانان داشته و آنان را میراث‌دار دین ترکان غاصب و اعراب نامیدند که جایی هم در اروپا ندارند. زنان محجبه حق کارکردن در موسسات دولتی را ندارند. برخی از دختران محجبه از مدارس و دانشگاه‌ها اخراج شده‌اند. برخی از امامان به اتهام تبلیغ جهاد دستگیر و زندانی شده‌اند. اما در عین حال برخی سیاستمداران سوسیالیست که دشمنی‌شان با اسلام آشکار است و در آثارشان به اسلام و مسلمانان حمله کرده‌اند، در آزادی به سر می‌برند.

مسلمانان در پی این حوادث تبدیل به شهروندان درجه دوم شدند. براساس یک مطالعه جهانی در سال ۲۰۰۵، مسلمانان در آلبانی از وضعیت اقتصادی و اجتماعی پایین‌تری نسبت به ارتدوکس‌ها و پروتستان‌ها قرار دارند. این دو گروه اخیر و بسیاری از سوسیالیست‌های پیشین که اکنون در قدرتند، جریان اقتصادی و سرمایه‌گذاری کشور را در دست دارند. همچنین در نتیجه حمایت یونان و کشورهای غربی جماعت کاتولیک، ارتدوکس و پروتستان در حال افزایش و جمعیت مسلمان در حال کاهش است.^۱

از سال ۱۹۹۱ و در نتیجه تبلیغات گروه‌های متعدد میسیونری مسیحی اعم از ارتدوکس، کاتولیک و پروتستان و شاهدان یهوه تعداد زیادی از مسلمانان آلبانی به مسیحیت گرویده‌اند.^۲ هر چند که به لحاظ آماری مسلمانان دوبرابر مسیحیان هستند، اما براساس مطالعات انجام شده در سال ۲۰۰۸، تعداد کلیساهای آلبانی ۱۱۲۰ مورد است و این به معنی دو برابری تعداد کلیسا نسبت به مسجد است.^۳ گذشته از کلیساها، دانشگاه‌ها، مدارس، موسسات پژوهشی و رسانه‌ای، احزاب سیاسی آلبانی موجب گرایش مسلمانان به مسیحیت شده‌اند. سیاست‌های اسلام‌زدایی رژیم پیشین و آنچه که پس از کمونیزم تا کنون در آلبانی

^۱ بنگرید به:

Strengthening Religious Tolerance for a Secure Civil Society in Albania and the Southern Balkans, Volume 27 NATO Science for Peace and Security Series - E: Human and Societal Dynamics. Edited by J. Pettifer and M. Nazarko. P. vii

^۲ بنگرید به تحقیق انجام شده درباره رفتار دینی آلبانیان توسط بنیاد آلبانیایی آشتی‌سازی نزارها
FONDACIONI SHQIPTAR PËR ZGJIDHJEN E KONFLIKTEVE DHE PAJTIMIN E
MOSMARRËVESHJEVE (FZKPM), *Sjellja e shqiptarëve të sotëm ndaj fesë*, May 2005

^۳ بنگرید به:

Raport ekskluziv / Në Shqipëri ka 638 xhami dhe 1119 kisha, Gazeta Tirana Observer, August 16, 2008

رخ داده است، شرایطی را فراهم آورده که برخی از تحلیلگران غربی از افول اسلام در آلبانی سخن بگویند. سیاست‌های به کار برده شده در دهه گذشته در آلبانی وضعیت اسلام در این کشور را در شرایط سخت‌تری قرار داد و آینده مسلمانان را با تردید مواجه کرد. این وضعیت با توجه به ناتوانی "کمیته مسلمانان آلبانی" وخیم‌تر هم می‌شود. بسیاری از مسلمانان آلبانی نسبت به رفتار این کمیته انتقادهای فراوانی دارند.

تضعیف اسلام در آلبانی، در دولت جدید کوزوو هم تاثیر منفی داشته است. دولت تازه تاسیس کوزوو دولتی سکولار تعریف شده است. نکته جالب اینجاست که همه جنگ و درگیری قومی در کوزوو در دهه ۹۰ به خاطر قومیت و دین بود. با این حال به خاطر غلبه دول غربی بر سیاست جدید کوزوو دولت این کشور سکولار تعریف شده است. همانند مسلمانان آلبانی به مسلمانان کوزوو هم اجازه ساخت مرکز و مسجد بزرگ در پریشینا داده نشده است. این در حالی است که مجوز ساخت کلیسای جامع کاتولیک‌ها صادر شده است. علمای مسلمان هم اغلب به خاطر عدم پذیرش سمبل‌های مسیحی به عنوان نمادهای جدید دولت کوزوو، از سوی رسانه‌های مورد حمایت سوروس به عنوان "بنیادگرا" مورد هجمه واقع می‌شوند. با این همه زنان محجبه در کوزوو از حق کار کردن در موسسات دولتی و تحصیل در اماکن دولتی هم برخوردار نیستند! نگاه منفی به اسلام در آلبانی و کوزوو تاثیرات منفی خود را در مقدونیه که ساکنان آلبانی تبارش مسلمانانی سنتی‌ترند، گذاشته است. طی سالهای گذشته، سیاستمدارانی که از سوی غرب حمایت می‌شدند، مسیحیت را به مثابه ارزشی که آلبانی تباران مقدونیه باید آن را در برگینند، معرفی کرده‌اند. آنها در عین حال اسلام را دین شرق و دشمن نامیده‌اند!

با همه اینها می‌توان شمایی از وضعیت اسلام و مسلمانان در آلبانی به دست آورد. آنچه در این میان بسیار مشهود است دست بالای سیاست و موسسات مسیحی برای سوق دادن مردم این کشور به مسیحیت است. دامنه این گردش در سطوح بسیار مختلفی از قبیل موسسات آموزشی، پژوهشی، اقتصادی و سیاسی و... دنبال می‌شود. کثرت مراکز آموزشی خارجی مسیحی در آلبانی، برای اهل نظر، زمینه‌ای برای زدودن هویت اسلامی مردم این

^۱ بنگرید به اظهارات مندوح تاچی رییس حزب دمکرات آلبانیایی ها در مقدونیه در برنامه top show با عنوان "Betejat e Menduh Thaci در شبکه تُپ چنل در تاریخ ۲۹ اکتبر ۲۰۰۷.

منطقه و سوق دادنشان به دامان هویتی مسیحی - سکولار و یا منزجر از هویت اسلامی است. حضور مسیحیان و غربیان در آلبانی معمولاً با برنامه و انجام مطالعات میدانی است. این در حالی است که معمولاً مسلمانان هم که در قالب‌های مختلفی برای کمک به مسلمانان آلبانی به این کشور می‌آیند شناخت چندانی از تاریخ، قومیت، فرهنگ و... این کشور ندارند و فعالیت آنها نیز در نهایت ثمر چندانی ندارد.

یکی از نکات تاسف بار آن است که اگر امروزه کسی بخواهد به مطالعات آلبانی شناسی به صورت آکادمیک دست بزند مجبور به بررسی و مطالعه کتبی است که توسط محققان و نویسندگان غربی و مسیحی و در جهت آمال خود آنها نوشته شده است و متأسفانه عالم اسلامی اکنون کمتر توجهی به این خطه از اسلام داشته یا دارد.

به همین دلیل بود که در ابتدای نوشتارم اسلام در آلبانی را در چهره محض ترسیم کردم. محضی که اگر نسبت به آن تفکری عمیق صورت نگیرد و احیای آن بدون علم و آگاهی واقع شود، نتیجه‌ای دربرنخواهد داشت. باید اندیشید که مسلمانان چگونه می‌توانند در برابر فشارهای هویت زدایانه‌ی مدرن مقاومت کرده و در آینده توان ابراز وجود در عرصه‌های مختلف داشته باشند؟

منابع:

1. "Literatura Shqipe ne Traditen Islame, Gjuha Shqipe me germa Arabe gjate shekullit te 18 dhe 19te," Robert Elsie.
2. FONDACIONI SHQIPTAR PËR ZGJIDHJEN E KONFLIKTEVE DHE PAJTIMIN E OSMARRËVESHJEVE (FZKPM), *Sjellja e shqiptarëve të sotëm ndaj fesë*, May 2005
3. *Strengthening Religious Tolerance for a Secure Civil Society in Albania and the Southern Balkans*, Volume 27 NATO Science for Peace and Security Series - E: Human and Societal Dynamics. Edited by J. Pettifer and M. Nazarko. P. vii
4. *Raport ekskluziv / Në Shqipëri ka 638 xhami dhe 1119 kisha*, Gazeta Tirana Observer, August 16, 2008
5. *Albanian Islam – Development and Disruptions*, ز. Rajvantee Lakshman-Lepain në: KARL KASER FRANK KRESSING, *Albania – A country in transition. Aspects of changing identities in a south-east European country*, Baden-Baden: Nomos-Verlag, 2002 and Olsi Jazexhi, *The Political Exploitation of Islamophobia in post-communist Albania*, në Islamophobia Conference, Istanbul 2007
6. Zachary T. Irvin, *The Fate of Islam in the Balkans: A comparison of Four State Policies*, në *Religion and Nationalism in Soviet and East European Politics* (ed. Pedro Ramet), Duke University London 1989. 385
7. I.Dizdarin, F. Luli and N.Bushatin, *Në kujtim të brezave*, Shkodër 1998
8. "Albanian Litratione in the Moslem Tradition," Robert Elise, First published in: *Oriens*, Journal of the International Society for Oriental Research, Leiden, 33 (1992), p. 287-306
9. Divani Shqipe, Nezim Berati, Botimi Toena, 2009.
10. Fjalori Persisht-Shqipe, Seyed AmirHossein Asghari, Seyedeh Leila Asghari, Tiranen, Botimi Toena, 2010
11. *Islam in Albania*, England's Defenses Academy, 2009.
12. *Albanian and Islam*, Olsi Jazixhi, Albania, 2006,



